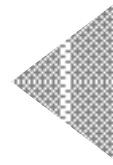


# سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی منطقه‌ای<sup>۱</sup>



جورج بوگلسدیک و تون ون اسکایک<sup>۲</sup>

ترجمه: حمیدرضا مقصودی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۹/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۱۱/۱۲)

## چکیده

در این تحقیق، یک برش مقطعی از وضعیت ۵۴ نقطه از اروپا را ارائه می‌کنیم. سؤال اصلی این است که آیا سرمایه اجتماعی به عنوان عنصر اصلی اعتمادبخشی و عامل انسجام در فعالیت‌ها، در رشد اقتصادی با تفاوت مناطق مرتبط است؟ با انجام یک ابتکار، مشاهده‌ای را انجام داده‌ایم که مباحث فوکویاما<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۵ میلادی در مورد اعتماد آن را در بر نمی‌گیرد و می‌تواند رساله پاتنام<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) در مورد عضویت گروهی در مناطق ایتالیا را تعمیم بخشد. تحلیل ما می‌گوید: تنها وجود محض یک ارتباط شبکه‌ای نیست که موجب رشد اقتصادی مناطق می‌شود، بلکه سطوح درگیری واقعی در این شرکت‌ها نیز مؤثر است.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، اعتماد، شبکه، رشد اقتصادی منطقه‌ای، اروپا

۱- این مقاله ترجمه‌ای از منبع زیر است:

Beugelsdijk, Sjoerd and Schaik, Ton van (2001), Social Capital and Regional Economic Growth, in **Discussion paper**, Faculty of Economics, Tilburg University, December 7, 2001, No. 2001-102.

۲- Sjoerd Beugelsdijk and Ton van Schaik, Faculty of Economics, Tilburg University, s.beugelsdijk@kub.nl

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

۴ - Fukuyama

۵ - Putnam

۱. مقدمه

اخیراً اقتصاددانان افزایش نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی را نشان داده‌اند. اگر چه اثر هافستد<sup>۱</sup> (۱۹۹۱، ۲۰۰۱) به پیوستگی نقش فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی در اقتصاد بازرگانی یا به طور کلی مدیریت بین‌المللی کمک کرده، لیکن یک مورد کلی برای اقتصاد نیست. به هر حال از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی مطالعات پیرامون رشد اقتصادی احیا شد. این تئوری جدید اقتصادی که در نتیجه مطالعات تجربی زیادی بوجود آمده، می‌گوید نهادهای سنتی کار و سرمایه بوسیله سرمایه انسانی و شاخص‌هایی که ناشی از تفاوت‌های نهادی و جغرافیایی مابین کشورها هستند، تکمیل می‌شوند. پیشگامی افرادی چون کورمندی<sup>۲</sup> و مجر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)، بامل<sup>۴</sup> (۱۹۸۶)، گریر<sup>۵</sup> و تالوک<sup>۶</sup> (۱۹۸۹)، بارو<sup>۷</sup> (۱۹۹۱)، منکیو<sup>۸</sup>، رومر<sup>۹</sup> و ویل<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۲)، مطالعات تجربی پیرامون رشد را عمومی کرد. با این وجود همانطور که تمپل<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۹) می‌گوید، علی‌رغم این گسترش تحقیقات، پیشرفت اندکی در این رشته اتفاق افتاده است. بررسی ادبیات رشد این نتیجه را می‌دهد که مابین فرهنگ و اقتصاد یک نقش مهم وجود دارد. او می‌نویسد:

«برخی از مهمترین تفکرات پیرامون رشد اقتصادی در مرزهای علم سیاست و روانشناسی یافت می‌شوند» (تمپل، ۱۹۹۹: ۱۴۶).

تمپل و جانسون هنگامی که می‌گویند چرا ممکن است اجتماع اهمیت داشته باشد، به نتایج مشابهی می‌رسند که تحقیقات آنها در مسیر آینده مطالعات، بسیار با ارزشند.

۱ - Hofstede

۲ - Kormendi

۳ - Meguire

۴ - Baumol

۵ - Grier

۶ - Tullock

۷ - Barro

۸ - Mankiw

۹ - Romer

۱۰ - Weil

۱۱ - Temple

کتاب «ایجاد دموکراسی» نوشته پاتنام، لئوناردی<sup>۱</sup> و ناننتی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۳ یک کمک مؤثر در این مورد به شمار می‌آید. این محققان مناطق ایتالیا را مطالعه کرده و دریافته‌اند که سرمایه اجتماعی در توضیح تفاوت‌های منطقه‌ای در ساختار نهادی (حکومتی) و اقتصادی اهمیت دارد. پاتنام سرمایه اجتماعی را یک ویژگی ساختار اجتماعی مثل اعتماد، هنجار، و شبکه تعریف می‌کند که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل فعالیت‌های مرتبط، بهبود بخشد. بانک جهانی از تعریفی مشابه این استفاده می‌کند. تعریف بانک جهانی می‌گوید، سرمایه اجتماعی به روابط شبکه‌ای و هنجارهایی بازمی‌گردد که فعالیت مجموعه‌ای را مقدر می‌سازند یعنی نهادها، ارتباطات و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی جوامع را نشان می‌دهند.<sup>۳</sup> به علاوه متغیرهای اقتصادی استاندارد، سرمایه اجتماعی یک فاکتور مهم در توضیح موفقیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود؛ این بیانی است که برای توضیح فرضیه پاتنام انتخاب کرده‌ایم. در کنار پاتنام، فوکویاما نیز بر اهمیت سرمایه اجتماعی تأکید کرده است. او می‌گوید سرمایه اجتماعی به عنوان یک شکل ناآشنا یا تعمیم‌یافته اعتماد، نقش قاطع و تعیین کننده‌ای در اقتصادهای توسعه‌یافته دارد. همانطور که از گفتار فوکویاما برمی‌آید، در تعریف سرمایه اجتماعی، اعتماد و شبکه، ابعاد این سرمایه را تشکیل می‌دهند. در حالی که پاتنام بر نقش شبکه تأکید می‌کند، فوکویاما بر اهمیت اعتماد پافشاری می‌کند. پس از آن زمان مطالعات زیادی در مورد سرمایه اجتماعی انجام شد (فوکویاما ۱۹۹۵، گراناتو<sup>۴</sup> ۱۹۹۶، هلیول<sup>۵</sup> ۱۹۹۶، سوانک<sup>۶</sup> ۱۹۹۶، انگلهارت<sup>۷</sup> ۱۹۹۷، فدرک<sup>۸</sup> ۱۹۹۹، پاکستون<sup>۹</sup> ۱۹۹۹، وندس<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۹، انکلس<sup>۱</sup> ۲۰۰۰، پاتنام ۲۰۰۰). با این وجود

۱ - Leonardi

۲ - Nanetti

۳- رجوع کنید به: <http://www.worldbank.org/poverty/scapital/>

۴ - Granato

۵ - Helliwell

۶ - Swank

۷ - Inglehart

۸ - Fedderke

۹ - Paxton

۱۰ - Van Deth

مطالعاتی که گفتار پاتنام را زیر سؤال ببرند، نادرند. به هر حال مفاهیم جذاب سرمایه اجتماعی را نمی‌توان به آسانی با روش‌های تجربی اندازه‌گیری کرد. همانطور که وولکوک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) بر آن تأکید می‌کند: ابهام، طاعون سرمایه اجتماعی است. مفاهیم متعددی مشابه سرمایه اجتماعی وجود دارند از قبیل سازمان اجتماعی<sup>۳</sup> (هال و جونز ۱۹۹۹) و توانمندی اجتماعی<sup>۴</sup> (آبراموویتز<sup>۵</sup> ۱۹۸۶، تمپل و جانسون ۱۹۹۸). شاخص‌هایی که معمولاً در محاسبه سرمایه اجتماعی بکار گرفته می‌شوند، اعتماد و مشارکت اجتماعی<sup>۶</sup> هستند. مقاله تجربی مهمی که رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد توسط نک<sup>۷</sup> و کیفر<sup>۸</sup> در سال ۱۹۹۷ نوشته شده است. با این وجود همانطور که بوگس‌دیک (۲۰۰۱) نشان داده، خلاقیت آماری مطالعه آنها محدود است. این سؤال که چطور سرمایه اجتماعی به عنوان شکل تعمیم‌یافته اعتماد و فعالیت مشارکتی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است، هنوز پاسخ داده نشده است. سؤال اصلی که باقی‌مانده این است که چطور مطالعه منطقه‌ای پاتنام در ایتالیا (۱۹۹۳) را می‌توان تعمیم داد؟

در کنار توجهات دانشگاهی و مطبوعاتی، سیاستگذاران نیز علاقه بیشتری به سرمایه اجتماعی نشان داده‌اند. مطابق با نظر اتحادیه اروپا<sup>۹</sup> و بانک سرمایه‌گذاری اروپایی<sup>۱۰</sup>، موهبت سرمایه اجتماعی به عنوان یک شکل از فرهنگ تجارت و هنجار رفتاری در توسعه منطقه‌ای، اهمیت ویژه‌ای دارد.<sup>۱۱</sup> «نیاز به آن در راهبردهای بلند مدت احساس می‌شود که به طور همزمان ابعاد

۱ - Inkeles

۲ - Woolcock

۳ - social infrastructure

۴ - social capability

۵ - Abramowitz

۶ - social participation

۷ - Knack

۸ - Keefer

۹ - European Committee

۱۰ - European Investment Bank (EIB)

۱۱ - EIB(2000); EC(1999)

زیادی از مسئله فقدان رقابت و تلاش برای ساخت سرمایه اجتماعی یک منطقه در موازات پی‌ریزی فیزیکی (مهارت نیروی کار و مبنای بهره‌وری) آن منطقه را مخاطب قرار می‌دهد» (بانک سرمایه‌گذاری اروپا، ۲۰۰۰:۲۰). تحقیقات پیرامون ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مناطق در اروپا ممکن است در تخصیص سرمایه‌های ساختاری نتایجی را در بر داشته باشد. در حال حاضر شناخت اندکی در مورد سرمایه اجتماعی، کارکردهای آن و تأثیر آن در رشد اقتصادی به منظور تنظیم سیاست‌ها، وجود دارد. از نقطه نظر سیاستی، یافتن مشاهدات تجربی در مورد نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی مناطق مهم است.

این تحقیق یک تحلیل از ارتباط سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را برای مناطق اروپایی ارائه می‌کند. با انجام آن ما قادریم فرضیه پاتنام را با مناطقی که مطالعه او شامل آن‌ها می‌شد آزمون کنیم.<sup>۱</sup>

تحقیق ما دو یافته دارد: اولاً ما به این نتیجه نرسیدیم که در سطح یک منطقه، اعتماد و رشد به یکدیگر بستگی دارند. ثانیاً فعالیت مشترک و وابسته و به طور خاص فعالیت‌های داوطلبانه بدون پرداخت<sup>۲</sup> (رایگان)، با رشد اقتصادی منطقه‌ای به طور مثبت رابطه دارند.

طرح کلی تحقیق اینگونه است: در ابتدا بطور مختصر نظریه سرمایه اجتماعی و ادبیات رایج آن را توضیح می‌دهیم. سپس با استفاده از این توضیحات بر اعتماد و عضویت گروهی<sup>۳</sup> متمرکز می‌شویم. بعد از آن کارکردهای مختلف اعتماد را توضیح داده و این مطلب را تبیین می‌کنیم که اعتماد در سطوح مختلف توسعه اقتصادی کارکردهای گوناگونی را داراست. در کنار این به عنوان یک جایگزین برای نظام نهادی با کارکرد مناسب<sup>۴</sup>، اعتماد می‌تواند عنصری مورد نیاز در تراکنش‌ها و معاملات پیچیده که دارای قراردادهای ناقص هستند، به شمار آید. عنصر دوم سرمایه اجتماعی که ما با آن سر و کار داریم عضویت گروهی و شبکه‌ای است. پس از بررسی

۱- این اندکی متفاوت است. مناطق تحلیل شده توسط پاتنام در سطوح متفاوت‌تری از آنچه ما انجام داده‌ایم هستند. ما از سطح nuts I (۱۱ منطقه) استفاده می‌کنیم. تحقیق پاتنام نتیجه تعاریف دیگری از ۲۰ منطقه را گزارش می‌دهد. در کنار پاتنام ما نیز زیر مجموعه‌هایی از کشور را مطالعه می‌کنیم.

۲ - active - unpaid- voluntary work

۳ - group membership

۴ - a well-functioning institutional system

این عناصر سراغ تحلیل‌های آماری و آزمون ارتباط اعتماد و عضویت گروهی در رشد اقتصادی منطقه‌ای می‌رویم و در نهایت پس از یک تحلیل گسترده، به نتایج و پیشنهادهای برای تحقیقات آینده می‌رسیم.

## ۲. اعتماد

بطور کلی اعتماد را می‌توان ادراک و یا توصیف قابلیت اعتماد انتظاری افراد دانست. اعتماد بر انتظاری که فرد می‌تواند آن را بفهمد، پایه‌ریزی شده است. این امر به سطحی از اطمینان بازمی‌گردد که شرکا در آن سطح، از مجاری آسیب‌پذیر قصد دست‌اندازی و استثمار نداشته باشند.<sup>۱</sup> محققان زیادی اهمیت اعتماد را در معاملات نشان داده‌اند. مطالعات آنان را می‌توان توسعه و تعمیم تئوری هزینه معاملات ویلیامسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۵، ۱۹۸۵، ۱۹۷۵) دانست. رینگ و وندون<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) نشان دادند که برخوردهای غیر رسمی و شخصی مابین سازمان‌ها نقش مهمی را در تعریف ساختار مدیریتی مورد استفاده در معاملات بازی می‌کنند. گولانی (۱۹۹۵) بر این حقیقت تأکید کرد که دو عنصر هزینه معامله و فاکتورهای اجتماعی در مطالعه روابط مابین بنگاه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، نقش مهمی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. ارتباطات مکرر مابین بنگاه‌ها، اعتمادی را بوجود می‌آورد که منجر به بستن معاهدات بعدی می‌شود. اعتماد مابین شبکه‌های اجتماعی، خصایص کنترل‌کننده‌ای را منجر می‌شود که به عنوان سومین بخش، جایگزینی برای نظام قانونی<sup>۴</sup> به شمار می‌رود. این نقش، هزینه معامله را به عنوان هزینه راه‌اندازی نظام اقتصادی، کاهش می‌دهد. بعلاوه اعتماد با تسهیل نااطمینانی و معاملات پیچیده پیوند دارد. آزی<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای که در نیویورک روی صنعت پوشاک انجام داد، نشان داد که اعتماد، مبادله مواد اولیه و اطلاعاتی که در سطوح بالای عملیاتی در ارتباطات بازاری بسیار سخت و مشکل است را آسان می‌کند. این نقش دوم اعتماد به نقش اطلاعات آن مربوط است. مالکی (۲۰۰۰) در صفحه

۱ - Gambetta 1988

۲ - Williamson

۳ - Ring and Van de Ven

۴ - legal systems

۵ - Uzzi

۱۹۵ کتابش می‌گوید: «در روابط اجتماعی و اقتصادی شبکه‌ها، بدست آوردن اطلاعات متنوع ارزان می‌شود». گولاتی (۱۹۹۸، ۳۰۸) می‌گوید: «اعتماد نه تنها مبادله اطلاعات را افزایش می‌دهد، بلکه روابط متقابل را آسان کرده و توجهات شرکا به یکدیگر را انعطاف‌پذیرتر می‌کند». اعتماد مکانیسمی است که ارتباطات و همکاری میان بنگاه‌ها را آسان می‌کند. به عنوان مثال روابط مبتنی بر اعتماد می‌تواند افزایش قراردادهای عرضه با تحویل زودهنگام، کیفیت بالا و یا سایر حسن نیت‌های مطمئن را نتیجه دهد؛<sup>۱</sup> یا همانطور که ویلیامسون (۱۹۸۵، ۶۲) می‌گوید: «هنگامی که افراد معتقد به صداقت و امانت‌داری باشند، ممکن است از تلاش جهت سوء استفاده در مواردی که متن قراردادهای با نقص مواجه است، خودداری کنند». نوت بوم (۱۹۹۹) دلایلی را ارائه می‌کند که قراردادهای بسیار جزئی و رسمی ممکن است به طور جدی مانع رشد اعتماد شوند. اعتماد و حفاظت قراردادهای باید درجه‌بندی شوند. در میان آن‌هایی که اعتماد را جایگزینی برای قانون و قرارداد می‌دانند، شاید کنت ارو (۱۹۷۱) واضح‌ترین موضع‌گیری را داشته باشد: «این برای فرد مفید است که در قبال دیگران، مقداری اعتماد داشته باشد. در غیاب اعتماد، بدست آوردن ساختارهای جایگزین و حفاظت از قراردادهای بسیار هزینه‌بر است؛ همچنین فرصت‌های بسیاری برای همکاری نافع طرفینی از دست می‌رود». با توجه به گفته فوکویاما، جوامعی که به طور کلی از موهبت اعتماد برخوردارند از نوعی سرمایه اجتماعی - مکمل عوامل سنتی کار و سرمایه - که حداقل به اندازه آن‌ها در موفقیت اقتصادی این جوامع سهیم است، بهره‌مند هستند. اعتماد بر یک سلسله عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دو طرفه استوار است که بوسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شوند (فوکویاما، ۱۹۹۵). در جوامع با سطح بالای اعتماد، قابلیت کمتری برای قانون‌گذاری و مکانیسم‌های اجباری وجود دارد. از این منظر، اعتماد جایگزینی برای قراردادهای به شمار می‌آید. اما در یک نظام نهادی، اعتماد به طور نسبی باید به عنوان تسهیل‌کننده معاملات شمرده شود. این امر هزینه مبادله را کاهش داده و بعلاوه به انعطاف آن کمک می‌کند. فوکویاما می‌گوید اعتماد به طور کلی و عمومی یک کمک مهم به انجام موفقیت‌آمیز کارها در اقتصادهای پیشرفته می‌شود. اولاً اعتماد به سایر ارتباطات اجتماعی اجازه ظهور و بروز می‌دهد و ثانیاً بدون تأثیر مستقیم بر قدرت بازار، امکان همکاری را فراهم

می‌کند. کورزینسکی (۲۰۰۰) می‌گوید اهمیت این دو کارکرد برای اقتصادهای پیشرفته سرمایه‌داری از آن جهت است که قدرت آنها را افزایش داده و جهانی‌تر می‌کند. بنابراین اعتماد نه تنها جانشینی برای نظام قانونی است بلکه معاملات پیچیده‌ای را که حتی در نظام‌های نهادی با قابلیت بالا نیز در قالب قراردادها نظام‌مند نمی‌شوند، تسهیل می‌کند.

بنابراین کارکرد اقتصادی اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تأثیر آن در کمک به همکاری و کاهش نیاز به دخالت، جهت از بین بردن نقص‌ها و نادرستی‌هاست. همچنین از نقطه نظر جامعه‌شناسانه، اعتماد کارکردهای متفاوتی را داراست. افراد، اعتماد را محور ساختار نظم اجتماعی می‌دانند. در نگاه آنها یک نظام ارزشی معمولی که بر هنجارها و ارزش‌ها استوار است، می‌تواند تعاملات را در نظام اجتماعی تثبیت کند. اعتماد می‌تواند پیش‌نیاز توافق و هماهنگی را فراهم کند و اعتماد محصول یکپارچگی و تکامل ارزش‌ها و هنجارهاست. اعتماد نقش مؤثری را در ایجاد نظم اجتماعی به عهده دارد. نقش دوم اعتماد در تفکر جامعه‌شناسانه توسط لومن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۹ بیان شده است. او معتقد است که اعتماد مکانیسمی است که پیچیدگی‌ها را کاهش می‌دهد و افراد را قادر می‌سازد که با پیچیدگی‌ها روبرو شده و یک زندگی مدرن را بوجود آورند. این با نظر ویلیامسون مطابق است که می‌گوید: روابط مبادله‌ای که اعتماد شخصی را نمایان می‌کنند هیجان بیشتری دارند و سازگاری بیشتری را نشان می‌دهند.

### جدول (۲) آمار توصیفی

خطای استاندارد	متوسط	
۰/۱۱	۰/۳۵	اعتماد
۰/۱۸	۰/۲۶	گروه P
۰/۱۲	۰/۲۲	گروه O
۰/۱۷	۰/۴۱	گروه A
۰/۳۸	۰/۶۲	گروه ها
۰/۳۳	۰/۰۲۹	رشد ۱۹۵۰-۱۹۹۸
۳/۷۴	۲۴/۲۵	سرمایه گذاری
۰/۰۶۷	۰/۵۱	سوادآموزی



N=54 داده‌های سرمایه گذاری ملی می باشند

### ۳- عضویت گروهی

نظریه‌ها در مورد نقش فعالیت مشارکتی و پیوند آن با رشد اقتصادی نسبت به نظریه‌های اعتماد از وضوح کمتری برخوردارند (برتراند و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). در اینجا ما دو نقش فعالیت‌های مشارکتی یا عضویت گروهی در میزان رفاه را تبیین می‌کنیم.

پاتنام نشان داد ارتباطات شبکه‌ای با تسهیل فعالیت‌های مشارکتی، کارایی اجتماع را بهبود می‌بخشد. مطالعه او در مناطق ایتالیا نشان داد که عوامل اساسی توضیح کارآمدی دولت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای و محلی در ایتالیا را باید در تفاوت‌های منطقه‌ای در ساختارهای اجتماعی جستجو کرد. مدیریت و حکومت کارآمد به طور اساسی به عادات اجتماعی و ساختار شبکه اجتماعی جوامع، منوط است. در مناطقی که روابط اجتماعی افقی - مثبتی بر اعتماد و ارزش - بیشتری وجود دارد، مشارکت در سازمان‌های اجتماعی بیشتر بوده و سرمایه اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارد. او نتیجه می‌گیرد مناطقی که در آن‌ها دولت محلی، موفق‌تر بوده و اقتصاد کارایی بیشتری دارد؛ با روابط افقی که هم موفق‌اند و هم شبکه‌های مدنی و سطوح سازمانی بزرگتری را در اجتماع پرورش می‌دهند، شناخته می‌شوند. دلیل آنکه پاتنام درجه عضویت جامعه مدنی را به طور خاص مطالعه کرد این است که «اگر چه شهروندان در جامعه مدنی افرادی مقدس و عاری از گناه نیستند، اما عرصه اجتماع متفاوت از یک رزمگاه برای رسیدن به علایق شخصی است» (پاتنام و دیگران، ۱۹۹۳: ۸۸). از این نگاه منابع کمتری جهت پرداخت هزینه‌های معامله صرف می‌شود. یا همانطور که لئوناردی می‌نویسد، سرمایه اجتماعی سطح بالا یعنی اینکه شهروندان می‌پذیرند که فعالیت جمعی، نقش مثبتی را در بدست آوردن محصولات جمعی ایفا می‌کند.

کارکرد دوم فعالیت مشارکتی به میزان زیادی بر نظریه شبکه‌ها و فواید حضور در شبکه منطبق است. برای دانستن چگونگی ایجاد منافع اجتماعی و اقتصادی شبکه‌ها و روابط اجتماعی دو

۱ - Luhmann

۲ - Bertrand et al

رویکرد نظری وجود دارد<sup>۱</sup>: رویکرد ارتباط ضعیف<sup>۲</sup> می‌گوید مفیدترین شکل، یک شبکه بزرگ با ارتباطات چند شاخه و طولانی<sup>۳</sup> است؛ از سوی دیگر یک رویکرد ارتباط قوی<sup>۴</sup> وجود دارد که ادعا می‌کند شبکه‌های بسته‌ی دارای رشته‌های کوچک و به هم پیوسته و با گره‌های قوی<sup>۵</sup> مفیدترین هستند. این‌ها دو رویکرد در بهینه‌یابی ساختار شبکه‌ها هستند. وراس کلمن<sup>۶</sup> معتقد است که شبکه‌های بسته می‌توانند بنیان بهتری برای همکاری باشند. برت<sup>۷</sup> بر این نکته تأکید می‌کند که ارتباطات چسبناک منجر به سختی و مقاومت می‌شوند. بنابراین در هر دو مورد هسته بحث به انتقال دانش مابین فعالان مرتبط است. از نقطه نظر برت، منافذ ساختاری<sup>۸</sup>، منابع مهم اطلاعات جدید محسوب می‌شوند. ایده مبنایی که نظریه منافذ ساختاری برت را تشکیل می‌دهد، توسط گرانووتر<sup>۹</sup> با عنوان «قدرت ارتباطات ضعیف»<sup>۱۰</sup> توضیح داده شده است. گرانووتر می‌گوید دسترسی به اطلاعات جدید از راه ارتباطات هفتگی سابق که فرد در شبکه محلی خودش ایجاد کرده، ممکن است. دلیل این امر آن است که اطلاعات درون شبکه محلی به طور گسترده تقسیم می‌شود؛ بنابراین بسیاری از برخوردهای محلی زائدند. اطلاعات جدید از ارتباطات غیر زائد حاصل می‌شوند.

از آنجا که به نظر می‌رسد که نگاه شبکه بسته کلمن با نگاه شبکه باز برت متضاد باشد، کلمن این نکته را بیان می‌کند که بسته بودن شبکه و مبتنی بودن عمل افراد بر آن، فرصتهایی را برای بدست آوردن اطلاعاتی که از راه‌های دیگر مشکل یا بسیار گران است، فراهم می‌کند. در هر دو

۱ - Gargiulo and Benassi 2000; Uzzi 1999

۲ - weak-tie approach

۳ - large network of arm's-length ties

۴ - strong-tie approach

۵ - closed tightly knit network of embedded ties

۶ - Whereas Coleman(1990)

۷ - Burt (1992)

۸ - structural holes

۹ - Granovetter 1973

۱۰ - strength of weak ties Granovetter 1973

دیدگاه حضور افراد در شبکه، منافع مثل افزایش منابع اطلاعات و بدست آوردن اطلاعاتی که از راه معمول در دسترس نیستند را موجب می‌شود. علاوه، کارکرد اقتصادی فعالیت مشارکتی شامل دو بخش می‌شود: اولین بخش به مفهوم فعالیت جمعی بازمی‌گردد و می‌گوید رفتار گروهی سازماندهی شده به طور کلی به محصولات جمعی که به نظر نمی‌رسد با دستیابی به ثروت شخصی تناقض داشته باشند، منجر می‌شود. فعالیت گروهی هزینه سواری مجانی را محدود می‌کند. ثانیاً عضویت و حضور در شبکه به انتقال دانش و اطلاعات مابین اعضا کمک می‌کند.

#### ۴. آزمون تجربی

به منظور سنجش تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی منطقه‌ای ما ۵۴ منطقه اروپا را بررسی کرده‌ایم. با انجام این آزمون ما می‌توانیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان مطالعات سرمایه اجتماعی پاتنام در ایتالیا را تعمیم داد؟ همچنین بیان فوکویاما در مورد اعتماد و اهمیت آن در اقتصاد را در این مناطق آزمون می‌کنیم. علاوه این بررسی فواید دیگری را نیز به دنبال خواهد داشت. اول اینکه مجموعه آن نواحی که با مقایسه وضعیت فرهنگی و اقتصادی، نسبتاً همگن تشخیص داده می‌شوند مانند کشورهای چینی تایوان و آلمان یا ژاپن و ایتالیا را می‌توان در تحلیل‌های رگرسیونی یکسانی مطالعه کرد. نوشته انتقادی تمپل که این ملاحظه را مطرح می‌کند که وضعیت اجتماعی و سیاسی کشورها به طور وسیعی از یکدیگر متفاوتند و اینکه مشخصات آن‌ها برای تطبیق بر یک شکل عمومی و واحد، مشابه نیستند، در ایجاد این همگنی نسبی مجموعه کشورها مد نظر قرار گرفت. فایده دوم آن، تعدد مشاهدات است که در برابر تنها ۲۹ کشوری که نک و کیفر<sup>۱</sup> مشاهده کرده بودند، ما ۵۴ ناحیه را بررسی می‌کنیم. مهمتر از همه این است که با مقایسه فرهنگ کشورها، خطر انحراف از مسیر در مواجهه با تنوع و گوناگونی شدیدی که مابین بسیاری از ملیت‌های اصلی جهان وجود دارد، محدود می‌شود (اسمیت و بوند<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۴۱).

۱ - Knack and Keefer 1997

۲ - Smith and Bond

۵. داده‌ها

داده‌ها از ای-وی-اس<sup>۱</sup> گرفته شده که یک تحقیق در مورد ارزش‌ها و هنجارهای اروپاییان است.

شکل (۱) مناطق اروپایی



جدول (۱) داده‌های مناطق اروپایی

NUTSI کد	منطقه	
BE1	بروکسل	۱
BE2	ولاندرن	۲
BE3	والونی	۳
DE1	بادن-وورتمبرگ	۴
DE2	بایرن	۵
DE3	برلین	۶
DE5	برمن	۷
DE6	هامبورگ	۸
DE7	هسن	۹
DE9	ندر ساچن	۱۰
DEA	نورد راین-وستفالن	۱۱

۱ - European Value Studies (EVS)

کد NUTSI	منطقه	
DEB	هینلند-پ فزل	۱۲
DEC	سارلند	۱۳
DEF	اسکلسویگ	۱۴
ES1	نورووست	۱۵
ES2	نورست	۱۶
ES3	مادرید	۱۷
ES4	سنتر و	۱۸
ES5	استه	۱۹
ES6	سور	۲۰
ES7	کانیر یاس	۲۱
FR1	ال د فرانس	۲۲
FR2	باسین پاریس	۲۳
FR3	نورد- پاس د کالاس	۲۴
FR4	است	۲۵
FR5	اوست	۲۶
FR6	سود اوست	۲۷
FR7	سنتر است	۲۸
FR8	مدیترانه	۲۹
IT1	نورد اوست	۳۰
IT2	لومباردیا	۳۱
IT3	نورد است	۳۲
IT4	امپیلی روماگنا	۳۳
IT5	سنتر و	۳۴
IT6	لازیو	۳۵
IT7	آمیروزو مولیس	۳۶
IT8	کامپانیا	۳۷
IT9	سود	۳۸
ITA	سیکیلیا	۳۹
ITB	ساردگنا	۴۰

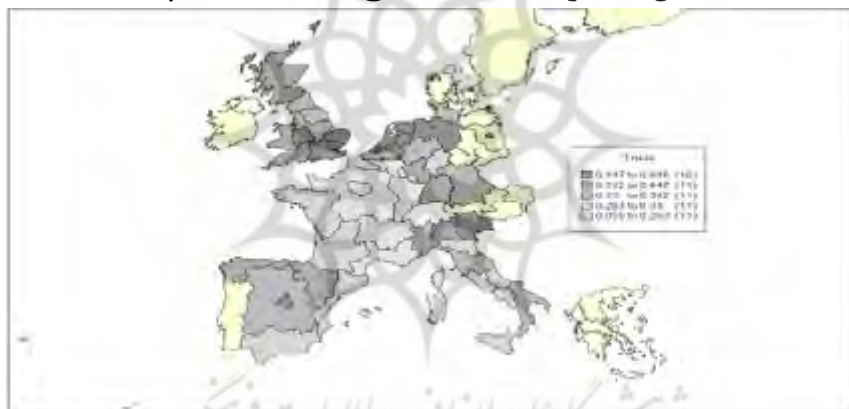
NUTSI کد	منطقه	
NL1	نورد هلند	۴۱
NL2	اوست هلند	۴۲
NL3	هلند غربی	۴۳
NL4	زویده هلند	۴۴
UK1	شمال	۴۵
UK2	یورکشیر و هامبرسید	۴۶
UK3	میدلند شرقی	۴۷
UK4	آنجلیا شرقی	۴۸
UK5	جنوب شرقی	۴۹
UK6	جنوب غربی	۵۰
UK7	غرب مرکزی	۵۱
UK8	شمال غربی	۵۲
UK9	والس	۵۳
UKA	اسکاتلند	۵۴

این مطالعات، سه بازه زمانی ۱۹۹۰، ۱۹۸۱، ۱۹۹۹ میلادی را در بر می‌گیرد که ما از بازه زمانی دوم استفاده می‌کنیم. جهت دستیابی به وضعیت اعتماد در مناطق باید داده‌های فردی اصلی را دوباره گروه‌بندی کنیم. ما از بازه زمانی اول استفاده نمی‌کنیم چرا که نمی‌توانیم وضعیت فردی را در مناطق بررسی کنیم. بازه سوم نیز در زمان نوشتن این مقاله کامل نشده است. لذا از بازه زمانی دوم استفاده می‌کنیم. مجموعه مشاهدات، هفت کشور فرانسه، ایتالیا، آلمان، اسپانیا، هلند، بلژیک و انگلستان را شامل می‌شود. به منظور مقایسه وضعیت ارزش‌ها و هنجارها در تأثیرگذاری بر داده‌های اقتصادی مناطق، از تعریف اروپایی مناطق استفاده می‌کنیم. با توجه به این تعریف، فرانسه، ایتالیا (با احتساب سیکیلی و سادینا)، آلمان (به استثنای مناطق شرقی دورتر)، اسپانیا، هلند، بلژیک و انگلستان (با احتساب اسکاتلند و بدون در نظر گرفتن ایرلند شمالی) به ترتیب دارای ۱۱، ۱۱، ۷، ۴، ۳ و ۱۰ منطقه هستند که مجموعاً ۵۴ منطقه را تشکیل می‌دهند (شکل ۱). مناطق اروپایی در جدول (۱) نشان داده شده‌اند.

## ۶. اعتماد

سؤالی که ما از آن در برآورد اعتماد استفاده می‌کنیم، این است: «آیا شما می‌گویید که می‌توان به همه افراد اعتماد کرد، یا اینکه در مواجهه با افراد دقت می‌کنید؟». پس از حذف آن‌هایی که می‌گفتند نمی‌دانیم، با بخشی از افراد مواجه شدیم که می‌گفتند: «بیشتر افراد قابل اعتمادند». برای نمونه‌ای که از ۵۴ منطقه گرفته بودیم توانستیم برای اعتماد نمره‌ای را لحاظ کنیم. نزدیک به ۵/۵ درصد از پاسخ‌ها در سادگنا<sup>۱</sup> در جنوب ایتالیا تا ۶۶/۴ درصد در مناطق شرقی هلند می‌گفتند بیشتر افراد قابل اعتمادند. میانگین نمرات، ۳۵ درصد و با انحراف معیار ۱۱ درصد بودند. در شکل (۲) درصد افرادی که در مناطق مختلف اذعان کرده‌اند که می‌توان به بیشتر مردم اعتماد کرد آورده شده است (شکل ۲).

شکل (۲) میزان اعتماد در سطح NUTS1 در اروپا



همانطور که در شکل (۲) دیده می‌شود، میزان اعتماد مردم در مناطق مختلف اروپا به میزان قابل ملاحظه‌ای با هم تفاوت دارد. با نگاه به کشورها می‌توان دریافت که مثلاً مناطق مختلف هلند از نظر میزان اعتماد نسبتاً همگن هستند، اما مناطق ایتالیا تفاوت چشمگیری با یکدیگر دارند. مقاله پاتنام در مورد ایتالیا در زمانی که مناطق جنوبی و شمالی آن را با یکدیگر مقایسه می‌کند، صحیح به نظر می‌رسد. در مناطق شمالی نسبت به مناطق جنوبی اعتماد بیشتری وجود دارد. پس در نگاه

۱ - Sardegna

اول نمی‌توان یک تصویر کلی را برای اروپا ارائه کرد. در حالی که برخی محققان<sup>۱</sup> می‌گویند مناطق - بخصوص مناطق پروتستانی - اهمیت زیادی برای اعتماد قائل هستند، تحقیق منطقه‌ای ما این مورد را تأیید نمی‌کند. مناطق کاتولیک سنتی در جنوب هلند، بیشترین میزان اعتماد (۰/۴۴۷ تا ۰/۶۴۶) را به خود اختصاص داده‌اند، (شکل ۲) که به میزان زیادی از متوسط بالاتر است.

### ۷. عضویت گروهی

پاتنام در کنار علاقه‌ای که به موضوع اعتماد دارد، در مقاله خود به طور واضحی به موضوع عضویت در باشگاه‌ها و شرکت‌ها می‌پردازد. او می‌گوید شبکه‌های افقی متراکم و سخت، به طور مثبت بر سطح اعتماد و رعایت حقوق شهروندی<sup>۲</sup> تأثیرگذارند. همانطور که قبلاً بیان شد، سرمایه اجتماعی معمولاً با شبکه‌ها و عضویت در آن‌ها مشاهده می‌شود. نک و کیفر نتوانستند اثر مستقیم عضویت گروهی در رشد اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری را پیدا کنند: «شبکه‌های افقی - که با عضویت در گروه‌ها اندازه‌گیری می‌شود - با اعتماد و هنجارهای مدنی - که کنترل‌کننده آموزش و درآمد هستند - و با کارایی اقتصادی بی‌ارتباطند» (نک و کیفر، ۱۹۹۷: ۱۲۸۴). آن‌ها اثرات عکس گروه‌های پاتنام و السون<sup>۳</sup> را توضیح دادند. از آن جایی که ممکن است پاتنام اثرات مثبت را در نظر گرفته باشد، این اثرات می‌تواند با اثرات منفی که گروه السون توضیح داده است، خنثی شود. السون معتقد است توسعه شبکه‌های اجتماعی، رشد اقتصادی را خفه می‌کند (مثل هزینه‌های لابی کردن).

همانند نک و کیفر، ما نیز متوسط تعداد گروه‌های هر کشور را اندازه‌گیری می‌کنیم. همانطور که آنان می‌گویند، گروه‌های گسترده زیادی وجود دارند. ثانیاً مهمتر این است که درگیری‌ها و برخوردهایی که از اعتبار سرمایه اجتماعی می‌کاهند، اندازه‌گیری نشده است. همانطور که بیان کردیم، منافع تثویب حضور در شبکه‌ها هنگامی که عضویت در گروه‌ها و شرکت‌ها فعال

۱- به عنوان مثال (انگلهارت، ۱۹۹۰) و (نک و کیفر، ۱۹۹۷: ۱۲۸۳).

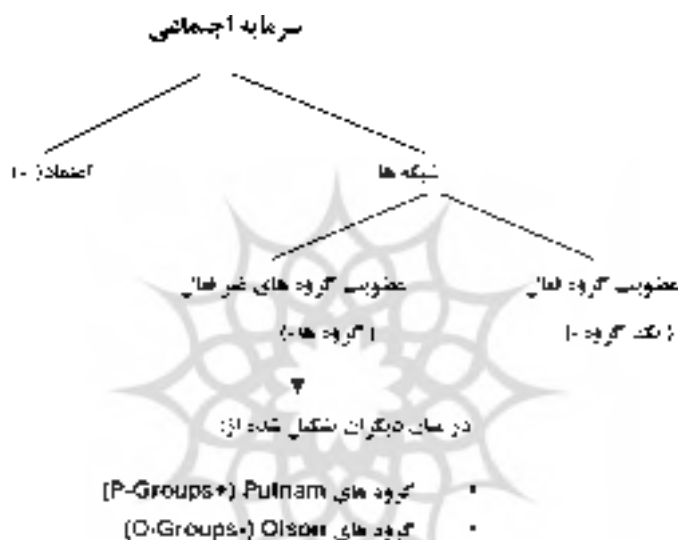
۲- این بحث جدید نیست. تقریباً در سال ۱۸۳۵ تکوویل (Tocqueville) این مطلب را بیان کرد که عضویت داوطلبانه در گروه‌ها می‌تواند در رسیدن به دموکراسی سودمند باشد. بنابراین پاتنام این مفهوم را گسترش داد که گروه‌های داوطلبانه نه تنها در دموکراسی سودمندند بلکه در توسعه اقتصادی نیز نقش مؤثری دارند.

۳ - Olson (1982)



نباشد، قابل دستیابی نیست. بنابراین ما عضویت فعال تعداد زیادی از شرکت‌ها را بجای عضویت غیرفعال در نظر گرفتیم. برای روشن شدن مطلب، چشم‌انداز سنجش‌های متفاوت سرمایه اجتماعی را در شکل (۳) نشان داده‌ایم.

شکل (۳) - مروری بر مقیاس‌های مختلف سرمایه اجتماعی  
(یا نمایان ساختن جهت ارتباط فرض شده با رشد اقتصاد منطقه‌ای)



سؤالی که برای اندازه‌گیری عضویت گروهی استفاده کردیم این است: آیا در مجموعه‌های زیر فعالیت دارید؟ مجموعه‌ها عبارتند از:

۱. خدمات رفاه اجتماعی برای از کار افتادگان سالخورده یا محرومین
۲. کلیسا یا سازمان‌های مذهبی
۳. فعالیت‌های آموزشی، هنری، موسیقی یا فرهنگی
۴. اتحادیه‌های تجاری
۵. گروه‌ها یا دسته‌های سیاسی
۶. فعالیت‌های اجتماعی محلی
۷. حقوق بشر یا توسعه جهان سوم

۸. حفاظت از منابع طبیعی، محیط زیست، بوم شناسی
۹. انجمن های حرفه ای
۱۰. کارهای جوانمردانه
۱۱. تفریح و سرگرمی
۱۲. گروه های زنان
۱۳. جنبش های صلح دوستانه
۱۴. گروه های داوطلبانه خواهان سلامت

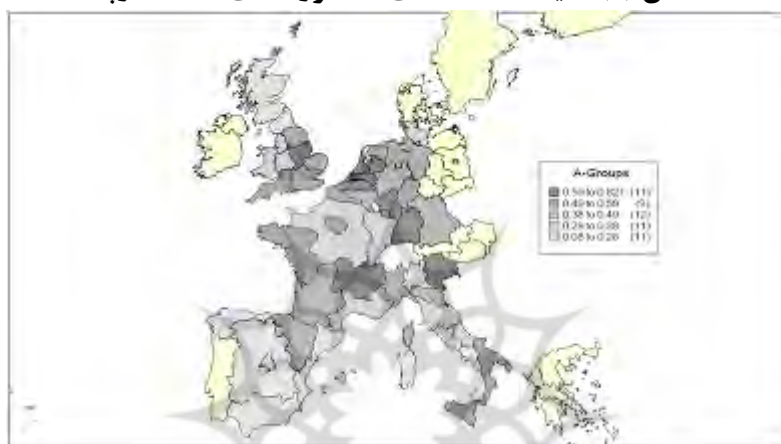
در محاسبه فعال و غیر فعال بودن عضویت گروهی، این گروه ها برای ما ارزش یکسانی دارند. تفاوت این دو در آن است که در عضویت های فعال، افراد نه تنها یک عضو هستند بلکه فعالیت های مشترک ویژه ای را نیز به طور داوطلبانه انجام می دهند. همانطور که گفته شد و به موازات نظر پاتنام، گمان ما این است که فعالیت های داوطلبانه مجانی را می توان به عنوان شاخصی برای احساسات مجموعه ای و مسئولیت پذیری افراد در قبال مجموعه ها قلمداد کرد. این گونه هنجارهای رفتاری می توانند اثرات مثبتی در فراهم کردن کالاهای عمومی داشته باشند. بعلاوه، همانطور که در بخش قبل پیرامون نظریه شبکه گفته شد، این شبکه ها می توانند توانمندی های بیشتری را فراهم کنند.<sup>۱</sup>

#### شکل (۴) امتیازات منطقه ای در گروه های P در اروپا

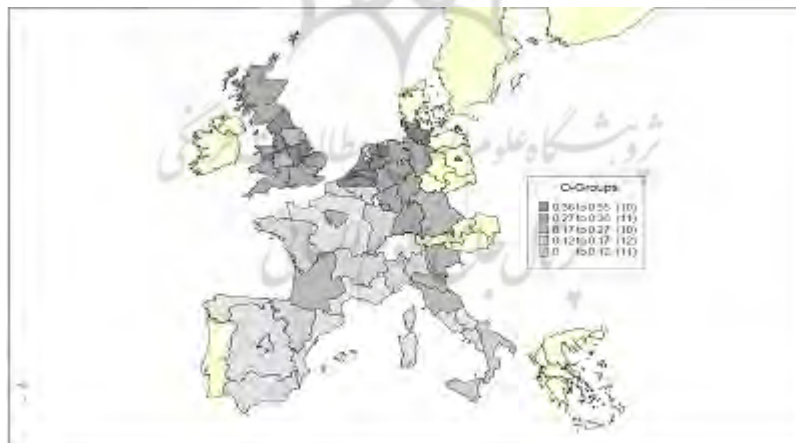


نمرات از میانگین نمرات هر منطقه که پاسخ افراد در آن‌ها به سؤال آری بوده، بدست آمده است. علاوه بر این مطابق تحلیل نک و کیفی، ما نمرات محلی منطقه‌ای را با توجه به نظر گروه‌های پاتنام و السون در سطح کشوری محاسبه کرده‌ایم<sup>۱</sup>.

شکل (۵) امتیازات منطقه‌ای در گروه‌های O در اروپا



شکل (۶) امتیازات منطقه‌ای در گروه‌های A در اروپا



۱- توجه داشته باشید که نک و کیفی در محاسباتشان تعداد کمتری از گروه‌ها را در نظر گرفته بودند. ما گروه‌های ۱۱ تا ۱۴ را اضافه کرده‌ایم.

گروه پاتنام به عضویت در گروه‌های ۲، ۳ و ۱۰ باز می‌گردد. گروه السون نیز شامل عضویت در گروه‌های ۴، ۵ و ۹ می‌شود. شکل ۴ و ۵ نمرات گروه‌های پاتنام و السون را با توجه به تعریف نک و کیفی نشان می‌دهد.

میانگین گروه پاتنام در سطح منطقه‌ای ۰/۲۶ و با انحراف معیار ۰/۱۸ بوده و بالاترین نمره در مناطق شرقی هلند و با نمره ۰/۸۹ است. این بدان معناست که به طور متوسط ۸۹ درصد مردم حداقل عضو یکی از سازمان‌های مشمول گروه‌های پاتنام هستند. پایین‌ترین نمره به ساردگنا<sup>۱</sup> ایتالیا و به میزان ۰/۳ است. نمره گروه‌های السون از صفر در ساردگنا تا ۰/۵۵ در مناطق شرقی هلند متغیر است. ارزش متوسط آن ۰/۲۲ و با انحراف معیار ۰/۱۲ می‌باشد. جدول (۲) میانگین نمرات و انحراف معیار متغیرهای سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۲) آمار توصیفی

خطای استاندارد	متوسط	
۰/۱۱	۰/۳۵	اعتماد
۰/۱۸	۰/۲۶	گروه P
۰/۱۲	۰/۲۲	گروه O
۰/۱۷	۰/۴۱	گروه A
۰/۳۸	۰/۶۲	گروه ها
۰/۳۳	۰/۰۲۹	رشد ۱۹۵۰-۱۹۹۸
۳/۷۴	۲۴/۲۵	سرمایه گذاری
۰/۰۶۷	۰/۵۱	سوادآموزی

N=54 داده های سرمایه گذاری ملی می باشند

با توجه به گزینه کار داوطلبانه مجانی (گروه السون) ما به متوسط نمره ۰/۴۱ و انحراف معیار ۰/۱۷ رسیده‌ایم. همبستگی مابین عضویت فعال و گروه پاتنام ۰/۷، مابین عضویت فعال و گروه السون ۰/۶۹ و مابین عضویت فعال و اعتماد بین افراد ۰/۲۱ است. جدول (۳الف) همبستگی

متغیرهای سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (الف): جدول کرلین متغیرهای سرمایه اجتماعی

	رشد ۱۹۹۸- ۱۹۵۰	اعتماد	P گروه	O گروه	A گروه	گروه‌ها
رشد ۱۹۹۸- ۱۹۵۰		۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۲۹	۰/۲۵
اعتماد		-	۰/۴۲	۰/۵۲	۰/۲۱	۰/۴۶
P گروه			-	۰/۷۲	۰/۷	۰/۷۹
O گروه				-	۰/۶۹	۰/۷۹
A گروه					-	۰/۸۵
گروه‌ها						-

\*معناداری در ۰,۱۰

جدول (ب): جدول کرلین متغیرهای استاندارد اقتصادی

	رشد ۱۹۹۸- ۱۹۵۰	GRP ۱۹۵۰	سواد آموزی	سرمایه گذاری	Aggl.ed u	نفوذ
رشد ۱۹۹۸- ۱۹۵۰	-	-۰/۵۵	-۰/۱۵	۰/۱۳	-۰/۰۷	۰/۰۵
GRP ۱۹۵۰		-	۰/۲۹	-۰/۰۰۶	۰/۳۵	۰/۱۷
سواد آموزشی			-	-۰/۳۱	-۰/۱	۰/۰۵
سرمایه گذاری				-	-۰/۰۳	۰/۱۹
Aggl.edu					-	۰/۱۹
نفوذ						-

\*معناداری در ۰,۱۰

### ۸. داده‌های اقتصادی

به منظور آزمون ارتباط اعتماد و عضویت گروهی با رشد اقتصادی، یک چارچوب استاندارد

رشد اقتصادی را که با آزمون تجربی نک و کیفر مطابق است و سطح اولیه تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> سرانه، نرخ سرمایه‌گذاری و نرخ سوادآموزی<sup>۲</sup> را شامل می‌شود، در نظر می‌گیریم. از آنجایی که اطلاعات قابل دستیابی در سطح مناطق اروپایی بسیار محدود است، تعداد مطالعات تجربی نیز به مقایسه مابین کشورها محدود می‌شوند. منبع اصلی، کتاب بارو و سالا-آی-مارتین<sup>۳</sup> است. همانند این نویسندگان ما نیز رشد منطقه‌ای را با نگاه به میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها در نظر می‌گیریم<sup>۴</sup>. دو دلیل در صحت استفاده از میانگین کشوری وجود دارد. اولاً ما داده‌های قیمتی مناطق را نداریم و ثانیاً در نظر گرفتن تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای به عنوان یک شاخص جهت مقایسه کشورها قابل استفاده نیست. بنابراین از تولید خالص داخلی<sup>۵</sup> که بر انحراف از میانگین نسبی کشورها متمرکز است، استفاده می‌کنیم. داده‌های سال ۱۹۵۰ توسط موله، هلست و اسمیت<sup>۶</sup> تهیه شده در حالی که داده‌های سال ۱۹۹۸ از داده‌های آماری اروپا<sup>۷</sup> حاصل شده است. رشد منطقه‌ای در شکل ۷ نشان داده شده است.

۱ - GDP

۲ - The school enrolment ratio

۳ - Barro and Sala-i-Martin (1995)

۴ - تولید ناخالص منطقه‌ای در سال ۱۹۵۰ با محاسبه میانگین تولید ناخالص منطقه‌ای تمام مناطق متعلق به یک کشور محاسبه شد. فورمول مشابهی نیز در سال ۱۹۹۸ جهت محاسبه تولید ناخالص نسبی استفاده شد. رشد منطقه‌ای از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ میلادی با توجه به این دو شاخص محاسبه می‌شود.

۵ - Gross Regional Product (GRP)

۶ - Molle, Van Holst and Smits (1980)

۷ - Eurostat information

شکل (۷) رشد منطقه‌ای ۱۹۹۸-۱۹۵۰



مقایسه و تطبیق وضعیت رشد و اعتماد با نگاه به شکل‌های ۲ و ۷ بسیار سخت است. به نظر می‌رسد مناطقی که به سرعت رشد می‌کنند را نمی‌توان با دادن نمره بالا به اعتماد شاخص‌بندی کرد. همبستگی میان رشد و اعتماد تنها ۰,۰۵ است (شکل ۳ الف). این مطلب در محاسبه عضویت گروهی ابهام بیشتری دارد. همبستگی میان رشد و محاسبات گوناگون عضویت گروهی به طور متوسط ۰,۲۵ و در بالاترین مقدار آن ۰,۲۹ است (جدول ۳ الف). جداول نشان می‌دهند که رابطه مابین متغیرهای سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی آنقدر زیاد به نظر نمی‌رسد. اگرچه این زمانی صحیح است که سایر متغیرهای اقتصادی مثل سرمایه‌گذاری و سرمایه فیزیکی را کنترل کرده باشیم.

نرخ سرمایه‌گذاری در سطح کشوری اندازه‌گیری می‌شود. داده‌ها از جدول جهانی پن<sup>۱</sup> استخراج شده‌اند. دوره‌ای که در آن متوسط نرخ سرمایه‌گذاری را محاسبه کرده‌ایم از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۲ میلادی است. جدای از در دسترس بودن اطلاعات، دلیل دیگری که از سرمایه‌گذاری در سطح کشوری استفاده کرده‌ایم، فرض بسته‌بودن اقتصاد کشورهاست. به علت وجود تعاملات فضایی، سرمایه‌گذاری منطقه‌ای یک فهم محدود از رشد اقتصادی منطقه‌ای را منتقل می‌کند<sup>۲</sup>. نرخ سوادآموزی، تعداد شاگردانی که در سال ۱۹۹۷ در سطح یک و دو بوده‌اند بخش بر تعداد

۱ - Penn World Tables

۲ - Nijkamp and Poot 1998

افراد گروه‌های سنی مربوطه را اندازه‌گیری می‌کند. دوره رشدی که ما آن را تحلیل کرده‌ایم از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ است. نرخ سوادآموزی در ۱۹۷۷ در این داده‌ها سقوط کرد و این حقیقت را نشان داد که نرخ سوادآموزی از سال ۱۹۵۰ در حال افزایش بوده است.

اطلاعات سال ۱۹۷۷ را می‌توان یک نماینده منطقی برای متوسط دوره محسوب کرد.<sup>۱</sup> داده‌های نرخ سوادآموزی در مناطق اسپانیایی به سال ۱۹۸۵ باز می‌گردد. داده‌های محلی نادرست هستند چرا که نقش اندکی را برای مهاجرت در مناطق قائل می‌شوند و رابطه تولید ناخالص داخلی سرانه در این داده‌ها ضعیف است.<sup>۲</sup>

مبنای تحلیل‌های ما در اینجا، فرم استاندارد بارو در رگرسیون رشد است که شامل سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی، انسانی و سطوح اولیه توسعه اقتصادی است. به منظور کنترل غلظت سرمایه انسانی، متغیری را در نظر گرفته‌ایم که نمره سوادآموزی ضربدر یک متغیر ساختگی برای مناطق - به نحوی که انباشت کلی سرمایه نشان داده شود- را شامل می‌شود.<sup>۳</sup> بعلاوه ما تأثیرات همبستگی فضایی بر نتایجمان را نیز امتحان کرده‌ایم. به طور ایده‌آل ما جهت محاسبه ضرایب منطقه‌ای و ساخت متغیری که همبستگی فضایی را کنترل کند، باید از جداول صادرات- واردات استفاده کنیم.<sup>۴</sup> به هر حال این اطلاعات در دسترس نیستند. به منظور کنترل همبستگی فضایی، با استفاده از روش کوا درآمد نسبی مجاور را در نظر گرفته‌ایم. این روش، ما را به استفاده از متوسط درآمد سرانه‌ی محیط - مناطق همجوار جهت کنترل همبستگی خودکار- راهنمایی می‌کند. در نمونه ما داده‌های تولید ناخالص منطقه‌ای، متوسط ملی و در نتیجه رفاه منطقه‌ای را نسبت به میانگین کشوری منعکس می‌کنند. با استفاده از این داده‌ها ما به طور برونزا فرض می‌کنیم که نمرات مناطق مجاور در کشورهای خارجی بر رشد منطقه‌ای تأثیرگذارند به شرط آنکه رفاه این مناطق به طور نسبی از متوسط خود کشور بالاتر باشد. از ۵۴ منطقه مورد مطالعه در نمونه ما، ۱۹ منطقه دارای مناطق مجاور در کشورهای دیگر بجای کشورهای خودشان بودند در

۱ - Data come from Eurostat

۲ - Barro and Sala-i-Martin 1995; Begg 1995

۳- ما مناطق غربی هلند، پاریس، برلین و لندن را انتخاب کرده‌ایم.

۴- راه‌حل دیگری نیز برای کنترل خالص‌تر متغیرها وجود دارد. برای مثال بلندای فیزیکی مرزهای مجاور یا شاخص‌های فیزیکی ناحیه مرزی.



حالی که ۴ منطقه هیچ همسایه‌ای نداشتند (جدول ۴).

**جدول (۴) نتایج رگرسیون  
اعتماد، عضویت گروه‌ها و اجرای اقتصاد منطقه‌ای، ۱۹۹۸-۱۹۵۰**

الگو	۱	۲	۳	۴	۵
متغیر وابسته	رشد ۱۹۹۸-۱۹۵۰				
ثابت	-۱/۴۴ (۰/۶۲۳)	-۱/۴۵ (۰/۶۲۹)	-۱/۴۹ (۰/۶۱۱)	-۱/۳۷ (۰/۵۸۴)	-۱/۰۱ (۵۸۲)
۱۹۵۰ GRP	-۰/۹۷۱ (۰/۲۰۱)	-۰/۹۶۸-۰/۲۱۲	-۰/۹۳۸ (۰/۱۹۶)	-۰/۹۴۲ (۱۹۰)	-۰/۹۶۹ (۰/۱۹۶)
سرمایه گذاری	۰/۴۷۶ (۰/۲۰۳)	۰/۴۸۱ (۰/۲۱۰)	۰/۵۵۳ (۰/۲۰۱)	۰/۴۸۴ (۰/۱۸۸)	۰/۴۲۲ (۰/۱۸۴)
سواد آموزی	۰/۵۲۷ (۰/۳۱۴)	۰/۵۱۸ (۰/۳۲۹)	۰/۳۹۷ (۰/۲۴۴)	۰/۴۴۹ (۰/۲۵۸)	۰/۵۶۹ (۰/۲۳۲)
Aggledu	۰/۵۲۸ (۰/۱۹۵)	۰/۵۲۲ (۰/۲۱۴)	۰/۴۲۳ (۰/۲۰۴)	۰/۴۰۴ (۰/۲۰۹)	۰/۴۷۲ (۰/۱۹۷)
نفوذ	۰/۳۰۸ ۰/۰۹۳	۰/۳۰۱ ۰/۱۱۸	۰/۲۱۳ ۰/۱۰۳	۰/۲۳۳ ۰/۱۰۱	۰/۲۴۴ ۰/۰۹۷
اعتماد		۰/۰۱۱ ۰/۰۸۶			
گروه P			۰/۰۰۷ (۰/۰۶۳)		
گروه O			۰/۱۱۹ (۰/۰۵۶)		
گروه‌ها				۰/۱۰۹ (۰/۴۱)	
گروه A					۰/۱۷۵ (۰/۰۵۴)
R	۰/۴۰۸۹	۰/۴۰۹۰	۰/۴۶۷۳	۰/۴۶۴۱	۰/۴۸۱۳
F	۵/۸۰	۵/۰۶	۵/۶۳	۷/۱۶	۷/۵۶
CW آزمون	۰/۶۸۴۵	۰/۶۹۰۷	۰/۴۵۴۳	۰/۸۸۸۵	۰/۸۵۹۶
VIF ماکزیمم	۱/۴۹	۱/۵۳	۲/۴۵	۱/۵۰	۱/۴۹

\*خطای استاندارد (White corrected) بین پراختراها.  $N=54$ . \*\*\* یک درصد معناداری، \*\*۵ درصد معناداری و \*۱۰ درصد معناداری. آزمون CW به تست واریانس ناهمسانی Cook-Weisberg بازمی‌گردد. مقادیر بالا ۰۵/ نشان می‌دهد که واریانس ناهمسانی مشکل ایجاد نمی‌کند. VIF به عامل واریانس تورم و مقادیر بالای ۱۰ نمایانگر هم خطی افزایش دهنده R-square باز می‌گردد. ما در تحلیل مان تصریح لگاریتمی در نظر گرفتیم. در صورت عدم اتخاذ تصریح لگاریتمی، نتایج معتبر نیستند. ما همچنین برای اثرات ویژه کشور و اثرات متقابل ممکن آزمون انجام دادیم. نتایج نشان می‌دهند که O-Groups هنگامی که اثرات ویژه کشور حاصل شده‌اند، معنادار نیستند. روی هم رفته نتایج A-Groups مثرتر نیستند. مرور کلی این آزمون‌های اضافی در یک ضمیمه آماری موجود است که در صورت درخواست ارائه می‌شود.

تحلیل رگرسیونی اصلی ما شامل سطح اولیه رفاه (رشد ناخالص منطقه‌ای ۱۹۵۰)، نرخ سوادآموزی<sup>۱</sup>، نرخ سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup>، همبستگی فضایی<sup>۳</sup> و غلظت سرمایه اجتماعی در انباشت‌ها<sup>۴</sup> می‌شود. ما فرم لگاریتمی را برای سه متغیر اول در نظر می‌گیریم. نتیجه در جدول (۴) نشان داده شده است.

مدل اولی که ما تخمین زدیم، یک مدل استاندارد است. همانطور که نتایج نشان می‌دهند، همه متغیرها بجز نرخ سوادآموزی در سطح ۵ درصد معنادار هستند. سوادآموزی در سطح ۱۰ درصد معنادار است. سطح اولیه رفاه به طور عکس با رشد اقتصادی مرتبط است و فرضیه همگرایی را تقویت می‌کند. این با سایر یافته‌های همگرایی منطقه‌ای در منطقه‌ی بارسلونا، بروکسل، و لاتزیو ایتالیا (رم) مرتبط است<sup>۵</sup>. با اینکه اگر بازه‌های زمانی کوتاه‌تری را در نظر بگیریم (مثلاً ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۸)، نمی‌توانیم فرضیه همگرایی را اثبات کنیم. این با یافته‌های سطوح کشوری<sup>۶</sup> و منطقه‌ای<sup>۷</sup> همخوانی دارد. دهه ۸۰ بجای همگرایی که در دوره‌های قبل وجود داشت، دارای واگرایی

۱ - School

۲ - Invest

۳ - Spillover

۴ - Aggledu

۵ - Europe (Martin and Sunley 1998)

۶ - Levine and Renelt 1992

۷ - Fagerberg and Verspagen 1995

است.<sup>۱</sup> با مبنا قرار دادن نمونه ما نتیجه می‌گیریم که پس از دوره جنگ در همه جا، فرضیه همگرایی تأیید شده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، به طور منفی با سطح ابتدایی تولید ناخالص داخلی مرتبط است.

جهت آزمون رابطه مثبت فرض شده ما بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، متغیرهای سرمایه اجتماعی که در بالا بحث شد را در نظر می‌گیریم. ابتدا همانطور که در شکل (۴) نشان داده شده است، ما نمرات کلی اعتماد را افزوده‌ایم. متغیر اعتماد معنادار نیست. این با توجه به مطالعات نک و کیفر در سطح کشوری که می‌گفت اعتماد به طور معناداری با رشد اقتصادی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ در بین ۲۹ کشور مرتبط است، مایه شگفتی می‌باشد. همانطور که بوگس‌دیک<sup>۲</sup> نشان داد نک و کیفر این را یافتند که اعتماد به طور آماری خیلی زیاد نیست.

در مدل سوم ما عضویت گروهی را در نظر گرفته‌ایم. مطابق با کار نک و کیفر ما این متغیر را به دو زیر گروه O و P تقسیم کردیم. همانطور که در جدول (۴) نشان داده شده، گروه‌های P معنادار نیستند در حالی که گروه‌های O در سطح ۵ درصد معنادارند. در مدل چهارم عضویت گروهی غیرفعال را در نظر گرفته‌ایم. عضویت گروهی غیرفعال به طور مثبت معناداری بر نرخ رشد منطقه‌ای تأثیرگذار است. و در آخرین مرحله عضویت گروهی فعال را در نظر گرفتیم. متغیر عضویت فعال (گروه A) به میزان زیادی معنادار است (سطح ۱ درصد) و مدل ناشی از آن بیشترین واریانس را نشان می‌دهد. یعنی عضویت فعال که در آن کار داوطلبانه مجانی انجام می‌شود به طور معناداری با رشد اقتصادی منطقه‌ای مرتبط است. سؤال این است که آیا این یافته‌ها قوی هستند یا نه؟

## ۹. آزمون قوت

به منظور سنجش میزان قوت یافته‌های بالا، ما چندین آزمون را انجام داده‌ایم. در ابتدا آزمون هم‌خطی<sup>۳</sup> و واریانس ناهمسانی را انجام داده‌ایم. همانطور که در شکل ۴ نشان داده شده، اینها

۱ - Maurseth 2001

۲ - Beugelsdijk

۳ - multi-collinearity

تأثیر چشمگیری بر نتایج ما نداشته‌اند. آزمون کوک و یسبرگ<sup>۱</sup> برای واریانس ناهمسانی و فاکتور تورمی واریانس<sup>۲</sup> (VIF) برای هم‌خطی همانطور که در مدلی که در جدول ۴ نشان داده شده، مشکل‌ساز نبوده و بر نتایج تأثیری نگذاشته‌اند. به هر حال آزمون‌های حساسیتی که شامل هم‌خطی و واریانس ناهمسانی می‌باشند، کامل نیستند. جهت افزایش حساسیت تحلیل‌ها از چندین راه شامل آزمون‌ها و روش‌های بازگشتی بر مبنای تحلیل مرزهای نهایی<sup>۳</sup> استفاده کرده‌ایم.

در ابتدا، ما تحلیل‌های رگرسیونی متعددی که در آن‌ها متغیرهای سرمایه اجتماعی با هم ترکیب می‌شدند را انجام دادیم. در مورد اعتماد و گروه‌های پاتنام و السون، نتایج تغییر نمی‌کنند. بنابراین، ما اگر هر دو نوع عضویت فعال و غیرفعال را در نظر بگیریم، گروه غیرفعال ناچیز می‌شود. چنانچه همبستگی مابین عضویت‌های فعال و غیرفعال ۰/۸۵ باشد (جدول ۳)، این منجر به مسئله هم‌خطی می‌شود. در حالی که تحلیل‌های رگرسیونی که گروه‌های خوب و گروه‌های A را شامل می‌شود انجام می‌دهیم، تحلیل‌های هم‌خطی نشان می‌دهند که واریانس برای این دو متغیر از ۴/۹ بیشتر است در حالی که در مورد سایر متغیرها از ۱/۵ تجاوز نمی‌کند. قاعده سرانگشتی بیان می‌کند که VIF‌های بالای ۱۰ مشکل‌سازند. ما به همبستگی‌های قوی و تحلیل‌های VIF به عنوان شاخصی برای هم‌خطی‌های مشکل‌دار نگاه می‌کنیم.

سپس در جایی که ترکیب نمونه بر نتایج ما اثر گذاشته از روش بازگشتی استفاده کرده‌ایم. در ابتدا ۵۴ مشاهده را در مورد متغیرهای خاص انجام دادیم. در این مورد انتخاب را بر اساس رشد اقتصادی منطقه‌ای انجام می‌دهیم. به این معنا که اولین مشاهده مربوط به منطقه با پایین‌ترین سطح رشد اقتصادی در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ و مشاهده ۵۴ مربوط به منطقه با بالاترین سطح رشد اقتصادی در این دوره است. مکانیسم بازگشتی می‌گوید بر اساس رتبه‌بندی که مشاهدات را نشان می‌دهد، مشاهدات حذف شده و ضرایب بر مبنای نمونه کوچکتر تخمین زده می‌شوند. در شکل ۸ ضرایب اعتماد را در جایی که مشاهدات بر اساس رشد رتبه‌بندی شده‌اند، (با توجه به مدل دوم

۱ - Cook-Weisberg (CW)

۲ - Variance Inflation Factor (VIF)

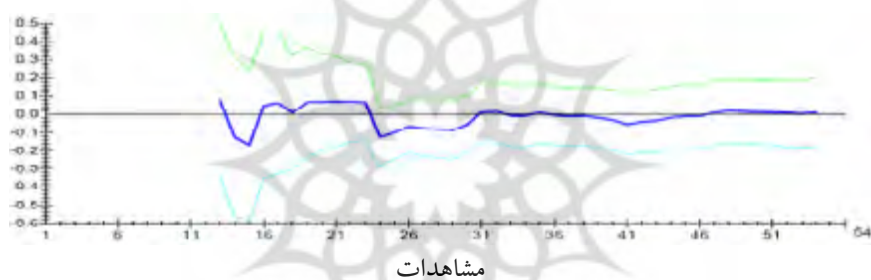
۳ - Extreme Bounds Analysis (EBA).

جدول ۴) نشان داده‌ایم.

خط میانی، ارزش ضرایب رگرسیونی را برای اعتماد ترسیم می‌کند. خطوط بیرونی‌تر، فاصله اعتماد ۹۵ درصد را نشان می‌دهند. بردار افقی، مشاهدات را - به نحوی که مشاهده ۱ دارای سریع‌ترین و مشاهده ۵۴ دارای کندترین رشد منطقه‌ای است - نشان می‌دهد. بردار عمودی، ارزش ضریب اعتماد را در یک سری از مشاهدات خاص نشان می‌دهد. اگر ۵۴ مشاهده شامل ارزش ضریب اعتماد ۰/۰۱۱ باشند، می‌توان در منتهی‌الیه سمت راست بردار افقی با توجه به نتایج جدول ۴ آن‌ها را مشاهده کرد.

### شکل (۸) ضریب و BANDهای اعتماد بر اساس OLS بازگشتی

ضریب LN اعتماد و دو خطای استاندارد آن. BANDهای بر اساس OLS بازگشتی



با حرکت از سمت راست به طرف چپ بردار افقی، ۴ منطقه که دارای سریع‌ترین رشد هستند حذف می‌شوند. ضریب اعتماد نمونه مربوط به ۵۰ منطقه باقی مانده نزدیک به ۰/۰۱۱ است. خط ثابت در شکل ۸ ما را به این نتیجه می‌رساند که در نمونه، ضریب اعتماد از حذف یا مستثنی کردن مناطق با رشد سریع مستقل است. برای متغیرهای دیگر، آزمون‌های ساده‌تری را انجام داده‌ایم که همگی با توجه به نظریه اقتصادی در شرایط ثابت رفتار می‌کنند. در مورد اخیر سطوح اولیه رفاه را در نظر گرفته‌ایم. در مناطق با رشد سریع، ضریب تولید ناخالص منطقه‌ای سال ۱۹۵۰ کاهش می‌یابد (بیشتر منفی می‌شود) که این مربوط به فرضیه هم‌گرایی است. شکل ۹ نتایج مکانیسم بازگشتی را برای گروه A و با توجه به مدل پنجم جدول ۴ نشان می‌دهد. مشاهدات دوباره بر اساس رشد منطقه‌ای رتبه‌بندی شده‌اند. همانطور که شکل نشان می‌دهد، ضریب گروه A در زمانی که مناطق با رشد سریع را شامل

می‌شود به آرامی افزایش می‌یابد.

آخرین ابتکار ما در تحلیل‌ها، آزمون این مطلب است که آیا متغیرهای مدل می‌توانند ضعف و یا قوت آزمون تحلیل مرزهای نهایی را تکمیل کند یا خیر. برنامه مورد استفاده برای این آزمون متاگروس<sup>۱</sup> نام دارد که در پشت صحنه مباحث ادبیات رشد<sup>۲</sup> بوجود آمده است. تحلیل مرزهای نهایی، توسط لیمر<sup>۳</sup> توسعه یافته است. این تحلیل، رابطه مابین یک متغیر مستقل و یک متغیر توضیحی Xi را اگر روابط هم‌علامت و به طور آماری برای هر مدل ممکن چشمگیر باشد، قوی می‌داند. تحلیل‌های بعدی این نیاز را برطرف کرد. سال - آی - مارتین<sup>۴</sup> معیاری را تعریف کرد که روابط باید حداقل در ۹۵ درصد موارد چشمگیر باشند که به آن آزمون تحلیل مرزهای نهایی ضعیف می‌گویند. روندی که ما از آن استفاده می‌کنیم، شامل چندین دور است به نحوی که همه ترکیبات ممکن متغیرهای توضیحی<sup>۵</sup> را می‌آزماییم. برای هر متغیر، برنامه، بخشی از نتایج مهم را محاسبه می‌کند. آزمون تحلیل نهایی قوی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش ۱ بدست آید. یعنی متغیر دارای علامت یکسان بوده و به طور آماری در همه خاصیت‌های ممکن مدل اهمیت دارد. آزمون تحلیل نهایی ضعیف، زمانی اتفاق می‌افتد که حداقل در ۹۵ درصد اوقات حالت فوق به وجود بیاید. اگر ما بخواهیم که تمام ترکیبات ممکن متغیرهای توضیحی را رگرسیون کنیم، باید ۵۱۲ مدل رگرسیونی را تخمین بزنیم. اگر با اجرای مدل‌های رگرسیونی که همیشه شامل سطوح اولیه رفاه می‌شوند و استثنا کردن ترکیبات عضویت فعال و غیر فعال تعداد ترکیبات را محدود کنیم، تعداد مدل‌هایی که می‌توانند رگرسیون شوند به ۳۲ عدد محدود می‌شود. بر مبنای این تحلیل گسترده، نتیجه می‌گیریم که دو متغیر زمانی آزمون تحلیل مرزی نهایی قوی را دارند که رشد اقتصادی منطقه‌ای را در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ توضیح دهند. این دو متغیر که سطح رفاه در سال ۱۹۵۰ و عضویت گروهی (فعال) هستند، شاخص‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند.

۱ - MetaGrowth

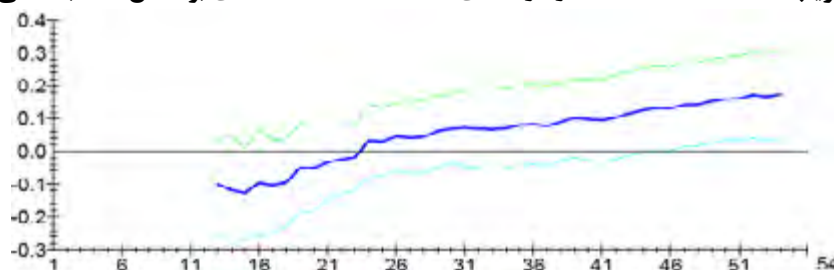
۲- اطلاعات بیشتر را می‌توان در این آدرس جستجو کرد: <http://www.feweb.vu.nl/re/MasterPoint/>

۳ - Leamer (1985)

۴ - Sala-i-Martin (1997)

۵- از آنجایی که این روند شامل تعداد زیادی جدول می‌شود، ما تصمیم گرفتیم نتایج را مورد بحث قرار دهیم نه تمام داده‌های جمع‌آوری شده را. جداول در ضمیمه آماری وجود دارند.

شکل (۹) ضریب و BAND های A-GROUPS بر اساس OLS بازگشتی  
 ضریب LINGROUPS اعتماد و دو خطای استاندارد آن. BAND های بر اساس OLS بازگشتی



مشاهدات

در برابر این روند خطی آزمون قوت، عمومی تر این است که قوت نتایج رگرسیون را با استفاده از یک روند قدم به قدم که در بیشتر بسته‌های آماری وجود دارد، آزمون کنیم. زمانی که از روش قدم به قدم (STATA) استفاده کرده و از یک مدل خالی شروع می‌کنیم، نتایج بدست آمده، همان نتایج حاصل از روش متاگروس می‌شود. در هر دو مورد، سطح اولیه رفاه و عضویت فعال متغیرهای به طور ۱۰۰ درصد قوی هستند. بعلاوه، تحلیل قوت گسترده ما نشان می‌دهد که راجع به متغیرهای سرمایه اجتماعی، عضویت فعال قوی بوده و آزمون تحلیل مرزی نهایی قوی را پشت سر گذاشته است. اعتماد هرگز اهمیت ندارد.

#### ۱۰- کاربردها، محدودیت‌ها و پیشنهادات برای تحقیقات آینده

اقتصاددانان‌ها نشان داده‌اند که علاقه‌شان به سرمایه اجتماعی افزایش یافته است. یک مطالعه مهم در این رشته، مطالعه پاتنام بر روی مناطق ایتالیایی است. او نشان داد که تفاوت فعالیت اقتصادی و نقش مؤثر نهادها در مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا به تفاوت در سرمایه اجتماعی باز می‌گردد. در این مقاله ما ۵۴ منطقه از ایتالیا را مطالعه کردیم و یک مدل اقتصادی استاندارد را جهت آزمون اینکه آیا فرضیه پاتنام را می‌توان تعمیم داد یا نه استفاده کرده‌ایم. سرمایه اجتماعی در صورتی که بتوان اعتماد و فعالیت گروهی را تعمیم داد، کاربردی می‌شود. همانند نک و کیفر، ما نیز مابین گروه‌های السون و پاتنام تمایز قائل می‌شویم و بعلاوه عضویت‌های فعال و غیرفعال را نیز از هم جدا می‌کنیم.

ما چندین چیز را نشان می‌دهیم. اولاً، ما این را یافته‌ایم که فرضیه همگرایی در سطح منطقه‌ای

صادق است. در ثانی ما نمی‌توانیم اثبات محکمی برای اهمیت تأثیر سرمایه‌گذاری و سوادآموزی منطقه‌ای بر رشد اقتصادی منطقه‌ای بیاوریم. ثالثاً سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد به رشد اقتصادی در سطح مناطق اروپا مربوط نمی‌شود. چهارم آنکه تمایز مابین گروه‌های پاتنام و السون توسط نک و کیفر بیش‌تر را ارائه نمی‌کند. بنابراین، دلالت اصلی مطالعه ما این است که سرمایه اجتماعی از طریق عضویت گروهی (فعال) بر رشد اقتصادی منطقه‌ای در اروپا تأثیر می‌گذارد.

ما فرضیه‌های پاتنام را نشان داده‌ایم که می‌گوید مسئله سرمایه اجتماعی در موفقیت اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند تعمیم یابد، به نحوی که وجود شبکه‌های اجتماعی نه تنها در تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی مفید باشند، بلکه سطوح واقعی درگیری در آن نیز گسترش یابد. در برابر تحلیل‌های در سطح کشوری نک و کیفر، تحلیل‌های منطقه‌ای ما فرضیه‌هایی را که اعتماد را دارای همبستگی مثبت با رشد اقتصادی می‌داند، تأیید نمی‌کند. در کنار فقدان قوت آماری مطالعه نک و کیفر، ما این نتایج مختلف را راجع به اینکه اعتماد با نمونه‌های انتخابی تبعیضی حاصل می‌شود، احساس می‌کنیم. در حقیقت با انتخاب نمونه در محدوده ملت‌هایی که کشورهای کمتر توسعه‌یافته را تشکیل می‌دهند، مثل نیجریه تا کشورهای ثروتمندی چون هلند یا آمریکا، نک و کیفر ممکن است اعتماد را زیاد از حد برآورد کرده باشند. تفاوت‌های بین کشوری در بلوغ نهادی در نمونه‌های آن‌ها ممکن است منجر به این گونه برآوردها از سطح اعتماد شوند. همین دلیل را می‌توان برای قانون گروه السون آورد. یادمان باشد که گروه السون شامل عضویت در اتحادیه‌های تجاری می‌شود. با وجود تفاوت‌های نهادی ما بین کشورها، احتمال اینکه یک عضو اتحادیه تجاری در یک کشور فقیر با یک کشور ثروتمند شود، متفاوت است. در یک کشور مانند نیجریه، عضویت در یک اتحادیه تجاری همانند یک کشور نسبتاً پیشرفته مثل آلمان، نه تنها طبیعی نیست بلکه در بعضی اوقات غیرممکن است. با در نظر گرفتن مناطق در اروپا، خطر تخمین زیاد از حد اهمیت سرمایه اجتماعی در نتیجه تفاوت‌های نهادی بزرگ محدود می‌شود.

یافته‌های ما پیرامون عضویت فعال ممکن است کمک‌هایی را برای سیاستگذاران در بر داشته باشد. ما نشان دادیم که سرمایه اجتماعی از طریق فعالیت‌های داوطلبانه به طور مثبت بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. آیا این بدان معناست که دولت ممکن است بخواهد که عضویت فعال همه مجموعه‌ها را افزایش دهد؟ آیا این بر نیاز سیاستگذاران به یک نگاه جدید به رابطه‌ی کار و



فراغت دلالت دارد؟ این امر تعدد فاکتورهای مرتبط با درجه فعالیت‌های اجتماعی که بوسیله آن‌ها سیاستگذاران می‌توانند مؤثر باشند را روشن می‌کند. بنابراین علاوه بر اینکه ما به طور دقیق مکانیسم مابین عضویت گروهی فعال و رشد اقتصادی منطقه‌ای را نمی‌دانیم، فورموله کردن کمک‌های سیاستی روشن، بسیار ابتدایی و اولیه به نظر می‌رسد.

به طور واضح این مطالعه با محدودیت‌های زیادی مواجه است. اولاً، فقدان داده‌های اقتصادی منطقه‌ای مناسب، ما را مجبور کرد که بجای تولیدات منطقه‌ای از تولیدات کشوری استفاده کنیم. ثانیاً دوره مشاهدات از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ است در حالی که داده‌های سرمایه اجتماعی از سال ۱۹۹۰ وجود دارند.<sup>۱</sup> به طور ایده‌آل می‌توان داده‌های سرمایه اجتماعی را با بازگرداندن به تحلیل‌های آغاز دوره، ترجیح داد. بنابراین اولین دوره‌ای که ما در محاسبات سرمایه اجتماعی مقادیر آن را داریم (۱۹۸۱)، با داده‌های ۱۹۹۰ همبستگی زیادی دارند.<sup>۲</sup>

مطالعات آینده باید بر مکانیسم‌های دقیق سرمایه اجتماعی از طریق فعالیت‌های اجتماعی که بر سطوح رشد اقتصادی در مناطق اروپا تأثیر می‌گذارند، تمرکز کنند. همانطور که در بخش عضویت گروهی توضیح دادیم، نظریه می‌گوید که فعالیت اجتماعی سطوح معرفت پیرامون شبکه‌ها را ترفیع دهد و در ثانی می‌تواند هزینه سواری مجانی را از طریق احساس تعلق به مجموعه، محدود کند. بنابراین فهم دقیقی از چگونگی عمل مکانیسم آن وجود ندارد. بیش بیشتر در مورد این مکانیسم‌ها برای سیاستگذاران در سطح مناطق، کشورها و اروپا بسیار مهم است. همانطور که بیان شد، اهمیت عضویت گروهی (فعال) در همه انواع اجتماعات برای رشد اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند به تفکر دوباره پیرامون کار و زمان منجر شود. اما قبل از اینکه سیاستگذاری واقعی در این زمینه توسعه پیدا کند، ما نیاز داریم که درباره مکانیسم بین عضویت

۱- همچنین ما از تحلیل‌های رگرسیونی در بازه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۸ استفاده کردیم. همینطور ما داده‌های ۱۹۷۰ اسپانیا را از دست دادیم و تعداد زیادی از مشاهدات تا ۴۷ تا کاهش یافتند. نتایج نشان می‌دهند که اندازه‌های کلی کاهش یافته‌اند و سطوح اهمیت نیز پایین آمده‌اند اما نتایج کلی ثابت مانده‌اند.

۲- نک و کیفر همچنین اعتبار محاسبه اعتماد را بحث کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که اختلال زیادی در این بررسی محاسبه سرمایه اجتماعی وجود ندارد. آنها نتایجشان را بر آزمایش‌های انجام شده در Reader's Digest و اطلاعات مجله Economist (June 22, 1996) بنا کرده‌اند. در آزمایش تصادفی کیف‌های پول گم شده، درصد کیف‌های بازگردانده شده در هر کشور به طور تقریبی میزان اعتماد را نشان می‌داد.

گروهی فعال و رشد اقتصادی منطقه‌ای بیشتر بدانیم. تلاش‌های اخیر و فعالیت‌های بانک جهانی در زمینه سرمایه اجتماعی و کشورهای در حال توسعه، با ارزش به نظر می‌رسند. اهمیت ارتباطات شبکه‌ای و ترفیع فعالیت‌های اجتماعی منجر به موفقیت تعداد زیادی از پروژه‌های توسعه شده است. این اعتراف بانک جهانی است به اینکه سرمایه اجتماعی نقش حیاتی را در کاهش فقر و موفقیت برنامه‌های توسعه بازی می‌کند. سرمایه اجتماعی از بسیاری جهات، سیاست‌های بانک جهانی را تکمیل کرده است<sup>۱</sup>. این ابتکارات هرگز در مورد کشورهای در حال توسعه انجام نشده و این سؤال باقی مانده است که آیا ارتباط سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای فقیر و غنی یکسان است؟ یک سؤال مرتبط نیز باقی مانده که آیا وفور یا عدم وفور سرمایه اجتماعی بر موفقیت برنامه‌های توسعه منطقه‌ای در مناطق کمتر مساعد اروپا مؤثر است؟ این می‌تواند در آینده مجال باشد که درجه موفقیت ساختار مالی اروپا را در مناطق خاص با وجود یا نبود سرمایه اجتماعی مرتبط سازیم.

#### منابع

- Abramovitz, M. (1986). Catching up, forging ahead, and falling behind. *Journal of Economic History* 46.2:385-406.
- Arrow, K. (1971). Political and economic evaluation of social effects and externalities. In *Frontiers of qualitative economics*, M. Intriligator (ed.), 3-25 Amsterdam: North-Holland.
- Barro, R.J., and Sala-I-Martin, X. (1995). *Economic growth*. New York: McGraw Hill.
- Barro, R.J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics* 106.2:407-443.
- Baumol, W. (1986). Productivity growth, convergence, and welfare: what the long run data show. *American Economic Review* 76.5:1072-1085.
- Begg, I. (1995). Factor mobility and regional disparities in the European Union. *Oxford Review of Economic Policy* 11.2:96-112.
- Bertrand, M.; Luttmer, E.F.P; and Mullainathan, S. (2000). Network effects and welfare cultures. *Quarterly Journal of Economics* 65:1019-1055.
- Beugelsdijk, S.; De Groot, H.L.F.; Van Schaik, A.B.T.M. (2001). A statistical robustness test of Knack and Keefer's study on social capital, Tilburg University, the Netherlands (MIMEO).
- Burt, R. (1992). The social structure of competition. In *Networks and*

- organizations, structure, form and action, ed. Nohria, N., and R. Eccles. Boston M.A: Harvard Business School Press.
- Coleman, J.S. (1990). Foundations of social theory. Cambridge: Harvard University Press.
  - European Commission. (1999). The European regions: sixth periodic report on the socio-economic situation in the regions of the European Union. Luxembourg: Official Publication Office.
  - European Investment Bank. (2000). Regional convergence in Europe, Theory and empirical evidence. EIB papers 5.2:13-24.
  - European Values Surveys, <http://www.evs.kub.nl> Fagerberg, J., and Verspagen, B. (1995). Heading for divergence? Regional growth in Europe reconsidered. MERIT working paper 2/95-014.
  - Fedderke, J.; De Kadt, R.; and Luiz, J. (1999). Economic growth and social capital: a critical reflection. *Theory and Society*, 28:709-745.
  - Fukuyama, F. (1995) Trust: the social virtues and the creation of prosperity. New York: The Free Press.
  - Fukuyama, F. (1995)a. Social capital and the global economy. *Foreign Affairs* 74.5:89-103.
  - Gambetta, D. (1988). Trust: making and breaking cooperative relations. Oxford: Blackwell Publishers.
  - Gargiulo, M., and Benassi, M. (2000). Trapped in your own net? Network cohesion, structural holes and the adaptation of social capital. *Organisation Science* 11.2:183-196.
  - Granato, J.; Inglehart, R.; and Leblang, D. (1996). The effect of cultural values on economic development: theory, hypotheses, and some empirical tests. *American Journal of Political Science* 40.3:607-631.
  - Granovetter, M. (1973). "The strength of weak ties". *American Journal of Sociology* 78:1360-1380.
  - Grier, K.B., and Tullock, G. (1989). An empirical analysis of cross-national economic growth, 1951-1980. *Journal of Monetary Economics* 24:259-276.
  - Gulati, R. (1995). Does familiarity breed trust? The implications of repeated ties for contractual choice in alliances. *Academy of Management Journal* 38.1:85-112.
  - Gulati, R. (1998). Alliances and networks. *Strategic Management Journal* 19:293-317.
  - Hall, R.E., and Jones, C. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others? *Quarterly Journal of Economics* 114.1:83-116.
  - Helliwell, J.F. (1996). Economic growth and social capital in Asia. NBER Working Paper #5470.
  - Hofstede, G. (1991). Cultures and organizations, software of the mind. London: McGraw-Hill.
  - Hofstede, G. (2001). Culture's consequences; comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations. (2nd ed.) Beverly Hills: Sage publications.

- Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton, New Jersey, Princeton University Press.
- Inglehart, R. (1997). *Modernization and postmodernization: cultural, economic and political change in 43 societies*. Princeton, New Jersey, Princeton University Press.
- Inkeles, A. (2000). Measuring social capital and its consequences. *Policy Sciences* 33:245-268.
- Knack, S., and Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic pay-off? A cross country investigation. *Quarterly Journal of Economics*. 112.4:1251-1288.
- Korczynski, M. (2000). The political economy of trust. *Journal of Management Studies* 37.1:1-21.
- Kormendi, R.C., and Meguire, P.G. (1985). Macroeconomic determinants of growth; cross country evidence. *Journal of Monetary Economics* 16:141-163.
- Leamer, E.E. (1985). Sensitivity analyses would help. *American Economic Review* 57:308-313.
- Leonardi, R. (1995). *Regional development in Italy, social capital and the Mezzogiorno*. Oxford
- *Review of Economic Policy*. 11.2:165-179.
- Levine, R., and Renelt, D. (1992). A sensitivity analysis of cross-country regressions. *American Economic Review* 82.4:942-963.
- Luhmann, N. (1979). *Trust and power*. Chichester: John Wiley and Sons.
- Malecki, E.J. (2000). Network models for technology-based growth. In *Regional innovation, knowledge and global change*, Acs, Z. (ed.) 187-204. London: Pinter.
- Mankiw, N.G.; Romer, D.; and Weil, D. (1992). A contribution to the empirics of economic growth. *Quarterly Journal of Economics* 107.2:407-431.
- Martin, R., and Sunley, P. (1998). Slow convergence, the new endogenous growth theory and regional development. *Economic Geography* 74.3:201-227.
- Maurseth, P.B. (2001). Convergence, Geography and technology. *Structural Change and Economic Dynamics* 12:247-276.
- Molle, W.; Van Holst B.; and Smit, H. 1980. *Regional disparity and economic development in the European Community*. Westmead, England: Saxon House.
- Nijkamp, P. and Poot, J. (1998). Spatial perspectives on new theories of economic growth. *The Annals of Regional Science* 32.1:7-38.
- Nooteboom, B. (1999). Innovation, learning and industrial organisation. *Cambridge Journal of Economics* 23:127-150.
- Oerlemans, L.A.G., Meeus, M.T., and Boekema, F. (2001). On the spatial embeddedness of innovation networks: an exploration of the proximity effect. *TESG, Tijdschrift voor Sociale en Economische Geografie*, 92:60-75.
- Olson, M. (1982). *The rise and decline of nations*. New Haven: Yale

- University Press.
- Parsons, T. (1969). *Sociological theory and modern society*. New York: Free Press.
  - Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of Sociology* 105:88-127.
  - Putnam, R.; Leonardi, R.; and Nanetti, R.Y. (1993). *Making democracy work*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
  - Putnam, R. (2000). *Bowling alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
  - Quah, D. (1996). Regional convergence clusters across Europe. *European Economic Review* 40:951-958.
  - Ring, P.S., and Van de Ven, A.H. (1992). Structuring cooperative relationships between organizations. *Strategic Management Journal* 13:483-498.
  - Sako, M. (1992). *Prices, quality and trust: interfirm relations in Britain and Japan*. Cambridge: Cambridge University Press.
  - Sala-I-Martin, X. (1997). I just ran two million regressions. *American Economic Review* 87:178-183.
  - Smith P., and Bond, M. (1998). *Social psychology across cultures*. London: Prentice Hall Europe.
  - Swank, D. (1996). Culture, institutions, and economic growth: theory, recent evidence, and the role of communitarian polities. *American Journal of Political Science* 40.3:660-679.
  - Temple J., and Johnson, P.A. (1998). Social capability and economic growth. *Quarterly Journal of Economics* 113.3:965-990.
  - Temple, J. (1999). The new growth evidence. *Journal of Economic Literature* 37:112-156.
  - Tocqueville, de A. (1969) [1835]. *Democracy in America*. New York: Scribner Books.
  - Uzzi, B. (1996). The sources and consequences of embeddedness for the economic performance of organizations: the network effect. *American Sociological Review* 61.4:674-698.
  - Uzzi, B. (1999). Embeddedness in the making of financial capital: how social relations and networks benefit firms seeking financing. *American Sociological Review* 64.4:481-505.
  - Van Deth, J., Maraffi, M., Newton, K., and Whiteley, P. (1999). *Social capital and European democracy*. London: Routledge.
  - Williamson, O.E. (1975). *Markets and hierarchies, analysis and antitrust implications*. New York: Free Press.
  - Williamson, O.E. (1985). *The economic institutions of capitalism*. New York: Free Press.
  - Williamson, O.E. (1998). Transaction cost economics: how it works; where it is headed. *De Economist* 146:23-58.
  - Woolcock, M. (1998). Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society* 27:151-208.